

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال هفتم ♦ شماره ۱۳ ♦ بهار و تابستان ۱۴۰۰  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰ ♦ صفحات: ۱۳۷-۱۱۳

## واکاوی مبانی حمله انغماسی داعش به مجلس شورای اسلامی ایران

محمد ملکی نهاوندی\*

علی مقدس\*\*

### چکیده

نوسلفیه جهادی بر این باور است که تمامی اقدامات جهادی ایشان، پشتوانه قرآنی و حدیثی دارد. آنان برای استفاده از عملیات انغماسی، در رابطه با حمله به مجلس شورای اسلامی ایران و دیگر کشورهای اسلامی، پنج مبنای کلی را اخذ کرده‌اند. مبنای اول: بنا به آیه حاکمیت، تمامی حاکمان کشورهای اسلامی کافر به کفر اکبرند. مبنای دوم: ایران و دیگر کشورهای اسلامی، دارالکفر هستند. مبنای سوم: دموکراسی، تحاکم به طاغوت است و شهروندان به سبب شرکت در انتخابات کافرند. مبنای چهارم: قانون‌گذاری، شرک است و نمایندگان مردم، مشرک‌اند. مبنای پنجم: کسانی که با نمایندگان مرتبط هستند نیز کافرند؛ اما با بررسی‌های صورت‌گرفته به دست آمد که اولاً: بنا به تفاسیر اهل سنت، واژه کفر در آیه حاکمیت، کفر اصغر است. ثانیاً: بنا به مبنای اهل سنت، ایران و دیگر کشورهای اسلامی، دارالاسلام هستند. ثالثاً: به اجماع فریقین، دموکراسی دینی نه تنها شرک نیست؛ بلکه از اصیل‌ترین آموزه‌های اسلامی است. رابعاً: اصل در تصویب قوانین مجلس ایران، مطابق بودن آن با شرع مقدس است. خامساً: سیره نبوی ﷺ بر مرادده مردم با نمایندگان خویش برای به دست آوردن قوانین بوده است. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته است.

**کلیدواژه‌ها:** عملیات انغماسی، نوسلفیه جهادی، عملیات انتحاری، دموکراسی، آیه حاکمیت، قانون‌گذاری، دارالکفر، دارالاسلام.

\* استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب؛ maleki@noornet.net

\*\* کارشناس ارشد نقد سلفیت و وهابیت (نویسنده مسئول)؛ moghadas\_ali@yahoo.com

## مقدمه

کلیدی‌ترین آیه مورد استناد داعش و دیگر سلفیه جهادی، آیه حاکمیت است. آنان برای پیشبرد اهداف سازمانی خود، آیه ۴۴ سوره مائده را مبنای سلوک جهادی و سیاسی خویش قرار داده‌اند.

﴿وَمَنْ لَّمْ يَخُفْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾؛ «و کسانی که بر اساس احکامی که خداوند نازل کرده، حکم نمی‌کنند، کافرند».

آنان از مفاهیمی مانند حاکمیت الله، طاغوت، دموکراسی، جاهلیت، دارالاسلام، دارالکفر، خلافت اسلامی و جهاد، برای خود سرپناهی ساخته‌اند تا در برابر سؤال از چرایی یورش به مجلس شورای اسلامی ایران و دیگر مجالس قانون‌گذاری، خویش را ایمن سازند. اکنون که داعش و دیگر نوسلفیه جهادی در عراق و شام به تعطیلات طولانی مدت رفته‌اند، وقت آن رسیده تا از باب نمونه، چرایی و چگونگی حمله داعش به مجلس ایران بررسی شود. مهم‌تر از چرایی و چگونگی حمله به مجلس ایران، سؤالاتی است که اذهان عمومی را به خود مشغول ساخته است. سؤالاتی نظیر اینکه چرا داعش به مجلس ایران حمله کرد؟ چرا داعش به جای عملیات در اماکن شلوغ و راحت‌تری همچون، ورزشگاه‌ها، مترو، پایانه، مراکز تجاری، مجلس را برای عملیات انتخاب کرد؟ چرا داعش علاوه بر کارکنان، مراجعین را اعم از زن، مرد و کودک مورد هدف قرار داد؟ داعش با کدام مبانی و استراتژی به این عملیات اقدام کرد؟

نگارنده در این پژوهش با استفاده از منابع اهل سنت در صدد است، علاوه بر پاسخ به سؤالات، عملیات انغماسی و انتحاری را بررسی و مبانی پنج‌گانه داعش را واکاوی کند. مبنای اول: با به‌کارگیری از آیه حاکمیت، نمایندگان و تمامی افرادی را که در مجلس حضور دارند، تکفیر می‌کنند.<sup>۱</sup> مبنای دوم: ایران دارالکفر بوده و همگان موظف به هجرت از ایران به موصل و دیرالزور، به‌عنوان دارالاسلام هستند.<sup>۲</sup> مبنای سوم: دموکراسی در ایران، تحاکم به طاغوت است.<sup>۳</sup> مبنای چهارم و پنجم: کافرپنداری

۱. سید امام، عبدالقادر، العمدة فی إعداد العدة للجهاد فی سبیل الله تعالی، ص ۳۱۵.

۲. مریوانی، ابوعایشه، حکم بما انزل الله، مسئله سی و سوم، ص ۹۶.

۳. السلیمان، الیمان، الديمقراطية دین أو سياسة، ص ۲.

نمایندگان مجلس و مراجعه‌کنندگان که مهره‌های تشکیل‌دهنده نظام دموکراسی است.<sup>۱</sup> امید است پس از تبیین و بررسی مبانی و مواضع داعش، سؤالات مخاطب، پاسخ داده شود.

## عملیات انتحاری

انتحار در لغت به معنای خودکشی<sup>۲</sup> و عملیات انتحاری به معنای خودکشی و دیگرکشی است<sup>۳</sup> و در اصطلاح شرع به معنای به هلاکت انداختن جان به سبب علل و انگیزه‌های دنیوی و غیردینی است.<sup>۴</sup>

انتحار در اسلام، حرام و ممنوع است. عموم و اطلاق آیاتی که دلالت بر حرمت قتل نفس عمدی دارد، شامل قتل نفس خود انسان و قتل نفس غیر می‌شود.

﴿أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾؛ هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد.<sup>۵</sup> این آیه به خوبی و روشنی دلالت بر حرمت انتحار می‌کند.

برای روشن شدن مسئله، به سبب ادعای نوسلفیه جهادی مبنی بر استفاده از عملیات انغماسی، علیه پارلمان ایران، نیاز است، عملیات انغماسی در کنار عملیات انتحاری توضیح داده شود تا پس از تبیین مسئله، عملیات نوسلفیه جهادی ارزیابی شود که آیا عملیات آنان مشروع بوده یا غیر مشروع و انتحاری بوده است.

## عملیات انغماسی

انغماس در لغت از ریشه غمس به معنای فرورفتن در چیزی مانند شیرجه زدن در آب است.<sup>۶</sup> در اصطلاح «هي أن يحمل المجاهد سلاحه، ثم يقتحم صفوف العدو أو مواقع تجنسه؛

۱. دیوان الدعوة و المساجد، تعلموا امر دينكم، ص ۲۲-۲؛ مکتب البحوث و الدراسات، التقريرات المفيدة في اهم ابواب العقيدة، ص ۶۰-۵۸.

۲. ماده نحر، لسان العرب \_ تاج العروس \_ قاموس المحيط.

۳. ملا محمد علی، امیر، مبانی فقهی عملیات استشهادی، ص ۱۹۴.

۴. تکروی، نواف هایل، العملیات الاستشهادیه فی المیزان الفقهی، ص ۸۳.

۵. مانده، ۳۲.

۶. ابن‌عباد، اسماعیل، المحيط فی اللغة، ج ۷، ص ۴۱۵.

طالِباً الشَّهَادَةِ، وَقاصِدًا التَّكَايَةِ» به عملیاتی گفته می‌شود که مجاهد، سلاح به دست با قصد ضربه‌زدن و نیل به شهادت، به دل دشمن یورش ببرد. <sup>۱</sup> یورش فردی یا جمعی مجاهد به سوی دشمن متجاوز، با سلاح گرم و سرد، به قصد ضربه‌زدن به دشمن متجاوز را انغماس گویند. <sup>۲</sup> عملیات انغماسی یکی از صور عملیات استشهادی به‌شمار می‌رود و شباهت این عملیات با استشهادی این است که هر دو به نیت شهادت و با حمل مواد انفجاری به دل دشمن متجاوز، یورش می‌برند. <sup>۳</sup> تنها تفاوت انغماسی با استشهادی این است که در استشهادی، مجاهد به محض رسیدن به دشمن، دکمه جلیقه انفجاری یا وسیله نقلیه و چمدان حاوی مواد منفجره را می‌فشارد؛ اما در انغماسی، مجاهد قبل از اینکه دکمه انفجاری را بفشارد تا آخرین گلوله با دشمن می‌جنگد تا تلفات بیشتری کسب کند؛ پس از آخرین گلوله، شناسی انفجار را می‌فشارد. علمای اسلام، جواز عملیات انغماسی را تنها با رعایت ضوابط و شرایط، صادر نموده‌اند؛ <sup>۴</sup> اما در عملیات انغماسی، شروطی وجود دارد که اگر کسی ملتزم به آن نباشد، نمی‌توان از این عملیات به‌عنوان یک شیوه مشروع استفاده کرد. <sup>۵</sup> شرط اول: اذن حاکم اسلامی. <sup>۶</sup> شرط دوم: فی سبیل الله باشد. <sup>۷</sup> شرط سوم: دشمن‌شناسی و متجاوزبودن دشمن. <sup>۸</sup> شرط چهارم: دفاع از مصالح مسلمین و ضربه به نیروهای نظامی دشمن متجاوز. <sup>۹</sup> شرط پنجم: حمله انغماسی تنها راه برای دفع دشمن باشد. <sup>۱۰</sup>

۱. الغریب، عبدالله، تقریر الأدلة الشرعية مشروعية العمليّات الاستشهادية، ص ۶۶.

۲. ابن تیمیه، احمد، قاعدة فی الانغماس فی العدو و هل یباح، ص ۲؛ حمود، سامی، لاعمال الفدائیة، ص ۱۸۶.

۳. حمود، سامی، الاعمال الفدائیة، ص ۱۱۸؛ معجم المصطلحات العسکرية، ص ۷۶.

۴. مجموعة مؤلفین، الفتاوی الندیة فی العمليّات الاستشهادية، ص ۸.

۵. حمود، سامی، الاعمال الفدائیة، ص ۱۸۶.

۶. بهوتی حنبلی، منصور، کشف القناع عن متن الإقناع، ج ۳، ص ۴۱.

۷. جمعی از مؤلفین، موسوعة الفتاوی الفلسطينية، ص ۱۹۳؛ ایوب، حسن، الجهاد والفدائیة فی الاسلام، ص ۱۲۲.

۸. جرادی، محمد ولید، الإرهاب فی الشریعة و القانون، ص ۲۷۷.

۹. کاسانی، علاء‌الدین ابوبکر بن مسعود، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرایع، ج ۷، ص ۱۴۱؛ طرابلسی المغربی، محمد، مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل، ج ۶، ص ۳۱۴؛ ابن‌ادریس حلی، محمد، السرائر، ج ۳، ص ۵۰۸؛ طوسی، محمد بن حسن، المسبوط، ج ۲، ص ۱۲.

۱۰. تکروری، نواف هایل، العمليّات الاستشهادية فی المیزان الفقهی، ص ۱۲۱-۱۲۰.

## نقد حمله داعش به پارلمان

با ایضاح مفهوم عملیات انغماسی و تبیین شروط آن، روشن است استفاده داعش از قالب عملیات انغماسی به دلایلی، باطل بوده و عدم التزام آنان به شرایط انغماس، حکایت از انتحاری بودن حمله ایشان دارد.

**دلیل اول:** اولین شرط از انغماس مشروع، إذن حاکم اسلامی است.<sup>۱</sup> فقیهان اهل سنت برای داعش چنین اجازه‌ای صادر نکرده‌اند؛ بلکه فقه اهل سنت، خروج علیه حاکم را حرام می‌داند.<sup>۲</sup> اگر داعش مدعی شود در شرایط فعلی، ابوبکر البغدادی، حاکم و امیرالمؤمنین است و حمله انغماسی به مجلس ایران، مأذون از جانب اوست، در پاسخ گفته می‌شود، ابوبکر بغدادی از منظر اهل سنت صلاحیت حاکم بودن را ندارد؛ زیرا حاکم افزون بر اینکه باید دارای علم و عدالت باشد، باید برترین امت خود از حیث علم و دیانت به‌شمار آید تا بتواند حاکم اسلامی محسوب شود.<sup>۳</sup>

**دلیل دوم:** داعش، مدعی است، حمله ایشان انتحاری نبوده؛ بلکه انغماسی و مشروع است؛ زیرا نیت آنان برای حمله به مجلس، فی سبیل اللّٰه و اعتلای کلمه توحید بوده است.<sup>۴</sup> در پاسخ به ادعای آنان گفته می‌شود: فی سبیل الله بودن عمل، فقط به‌صرف نیت سالم، محقق نمی‌شود؛ بلکه حُسن فاعلی (نیت و انگیزه) باید توأم با حُسن فعلی (عمل شایسته و درست) باشد. در غیر این صورت، عمل، فی سبیل الله نخواهد بود؛ زیرا این دو خصیصه (حسن فعلی و فاعلی) در افعالی که عبادت به‌شمار می‌روند از اهمیت بالایی برخوردار هستند.<sup>۵</sup> در نتیجه اگر داعش حتی برای رضای خدا و به قصد بهشت تن به انتحار داده باشد، به‌سبب قبیح فعلی آن، از موضوع انغماس مشروع، خارج می‌شود؛ مانند سربازان عمر بن سعد که به‌قصد رفتن بهشت، حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَام را قریباً الی الله، قربانی کردند!

۱. بهوتی حنبلی، منصور، کشاف القناع عن متن الإقناع، ج ۳، ص ۴۱.

۲. زهری غمراوی، محمد، السراج الوهاج، ج ۱، ص ۵۱۶.

۳. فراء، محمد، الأحكام السلطانية، ج ۱، ص ۱۹.

۴. فلسطینی، ابوالحسن، البُشرى المهدية لمنفذی العمليات الاستشهادية، ص ۸۸؛ شاکر، محمود، الجهاد فی سبیل الله، ص ۱۳۱.

۵. مصباح یزدی، محمدتقی، جنگ و جهاد در قرآن، ص ۱۲۴.



**دلیل سوم:** باید قبل از هر اقدام جهادی، دشمن شناسی دقیق صورت گیرد، سپس عملیات علیه دشمن متجاوز انجام شود. آیه شریفه ۹۴ سوره نساء تصریح بر بطلان به کارگیری حمله داعش، علیه ایران دارد.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ  
السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ  
كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ أَلْفَىٰ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون در راه خدا سفر می‌کنید، خوب رسیدگی کنید و به کسی که نزد شما اظهار اسلام می‌کند، مگوئید تو مؤمن نیستی تا بدین بهانه متاع زندگی دنیا را بجویید؛ چراکه غنیمت‌های فراوان نزد خداست قبلاً خودتان نیز همین‌گونه بودید و خدا بر شما منت نهاد؛ پس خوب رسیدگی کنید که خدا همواره به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.<sup>۱</sup>

آیه مذکور، ۲ نکته اساسی را متذکر می‌شود.

**الف:** تحریم قتل و تعرض به کسی که اظهار اسلام می‌کند. ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ  
إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾؛

**ب:** لازمه قتال و تکفیر، تحقیق است. ﴿إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا﴾.<sup>۲</sup> شیوه جهادی پیامبر ﷺ این بود: هنگامی که رسول خدا ﷺ در برابر قومی برای جنگ قرار می‌گرفت، حمله نمی‌کرد تا آنکه صبح می‌شد. اگر صدای اذان را از ایشان می‌شنید، خودداری می‌کرد و اگر صدای اذان را نمی‌شنید پس از آنکه صبح می‌شد، حمله می‌کرد.<sup>۳</sup> این درحالی است که تمامی کشته‌شدگان حمله به مجلس شورای اسلامی ایران، مسلمان و اهل لاله‌الاله بودند.

**دلیل چهارم:** چهارمین شرط انغماس، دفاع از مصالح مسلمین است که در حمله انتحاری داعش، نه تنها از مصالح مسلمین دفاع نشد؛ بلکه از منافع دشمن مشترک مسلمانان، آمریکا و اسرائیل که آسیب به سیستم امنیتی اسلام و ایران بود، دفاع انجام گرفت.

**دلیل پنجم:** اصل صیانت از غیرنظامیان که از مصوبات اسلام و بین‌الملل است، در

۱. نساء، ۹۴.

۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ح ۶۸۷۲.

۳. همان، ح ۲۹۴۳.

حمله به پارلمان، نادیده گرفته شد و کسانی که در آن حمله به شهادت رسیدند، زن و مردانی بودند که غیر از ۱ نفر، ۱۶ نفر دیگر، غیرنظامی بوده و برای گره‌گشایی از کار مسلمان، به مجلس مراجعه کرده بودند.<sup>۱</sup>

## نوسلفیه جهادی

نوسلفیه جهادی به کسانی اطلاق می‌شود که داعیه برقراری حکومت و خلافت اسلامی دارند و تنها راه رسیدن به آن را جهاد مسلحانه می‌دانند.<sup>۲</sup> آنان آمیخته‌ای از اندیشه‌های عقیدتی و عملی و هابی قطبی هستند<sup>۳</sup> که معتقد به کفر نظامات فعلی و جاهلیت جوامع بوده و تنها راه تغییر را جهاد مسلحانه می‌دانند.<sup>۴</sup> گروه‌های داعش، القاعده و اخوات این گروه‌ها، نوسلفیه جهادی هستند که جهاد را بر تمامی مسلمین، واجب عینی می‌دانند.<sup>۵</sup> شایان ذکر است در این نوشتار، به جهت اشتراک مبانی فکری برخی از جریان‌ها با داعش، به جای ذکر نام داعش، اصطلاح نوسلفیه جهادی را به کار گرفته شده تا دیگر نوسلفیان جهادی مانند القاعده، جبهه النصره، بوکوحرام، انصارالسنه، الشباب و... را نیز شامل شود.

در ادامه به مبانی داعش برای حمله به مجلس ایران یا نهادهای قانون‌گذاری می‌پردازیم.

## مبنای اول: مخالفت آیه حاکمیت با مجلس

کلیدی‌ترین آیه نوسلفیه جهادی برای استفاده از عملیات انغماسی و یورش به مجلس ایران، آیه حاکمیت است.<sup>۶</sup>

﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾؛ «و کسانی که بر اساس احکامی که

۱. ابن تیمیه، احمد، دقائق التفسیر، ج ۲، ص ۳۸-۳۷؛ احمد حنبل، مسند، ج ۳۰، ص ۲۳؛ صنعانی، عبدالرزاق، مصنف، ج ۵، ص ۲۱۸؛ ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۳، ص ۷۵.

۲. عماد، عبدالغنی، مقالة «المفاهيم والافكار والعقائد المحورية للحركات الاسلامية» از كتاب الحركات الاسلامية في الوطن العربي، ج ۱، ص ۹۸؛ مرتضی، محمد محمود، صناعة التوحش التكفير والغرب، ص ۲۵.

۳. سلفیه جهادی علاوه بر تأثیرپذیری از افکار و هابیت، تحت تأثیر افکار سید قطب در مسئله حاکمیت قرار گرفتند.

۴. مرتضی، محمد، صناعة التوحش التكفير والغرب، ص ۲۵.

۵. هاشم، محمدیونس، المدارس السلفية، ص ۳۵۷.

۶. سید امام، عبدالقادر، العمدة فی إعداد العدة للجهاد فی سبیل الله تعالی، ص ۳۱۴.



خداوند نازل کرده حکم نمی‌کنند، کافرند».

تصور ذهنی آنان این است، بسیاری از احکام صادره در محاکم به‌ویژه قوانینی که در مجلس ایران وضع می‌شود، مصداق صریح «حُکْم به غیر ما أَنْزَلَ اللَّهُ» یعنی حکم کردن برخلاف آنچه خداوند نازل فرموده، بوده است.<sup>۱</sup> در نظر داعش و دیگر نوسلفیان جهادی، نظام دموکراسی هیچ‌گونه تطبیقی با شریعت ندارد و از آنجا که نظام دموکراسی غیر الهی و مخالف شریعت است، در نتیجه مجلس‌ها، پناهگاهی برای شرک و بت‌پرستی می‌باشند. آنان با چیدن مقدمات مذکور در کنار هم و با تمسک به ظاهر آیه حاکمیت، نمایندگان و مراجعه‌کنندگان را کافر به کفر اکبر و مهدورالدم دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

### نقد

در پاسخ به اندیشه داعش، ادعای آنان مبنی بر انجام «حکم به غیر انزل الله» در مجلس ایران و تفسیر واژه کفر به کفر اکبر، بررسی می‌شود. اولاً: بسیاری از مفسران اهل سنت، برخلاف داعش، واژه کفر در آیه حاکمیت را به کفر اصغر، (گناه و معصیت) تفسیر کرده‌اند و همین امر، دلالت بر عدم جواز فتوا به تکفیر از جانب داعش دارد.<sup>۳</sup>

ثانیاً: بر اساس باور و منهج سلفیان، هنگامی که بر سر معنای لغوی یک کلمه اختلاف به‌وجود آید، تنها راه این است که به قول سلف، «صحابه، تابعین و تابع تابعین» مراجعه شود. پس از مراجعه باید دید که در بین دو دیدگاه موجود، (کفر اصغر یا کفر اکبر) کدام یک به نظریه سلف نزدیک‌تر است. پس از بررسی به‌دست آمد، تنها مصدری که علاوه بر تبیین آیه، مورد اتفاق دو دیدگاه است، تفسیر صحابی جلیل‌القدر، عبدالله بن عباس است.

ابن عباس کفر آیه را به کفر اصغر معنا کرده است. «لیس بالكفر الذي تذهبون إليه إنه ليس بكفر ينقل عن الملة ثم قرأ ومن لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكافرون؛ کفر در آیه

۱. عماد، عبدالغنی، الحركات الإسلامية في الوطن العربي، ج ۱، ص ۹۸.

۲. سید امام، عبدالقادر، العمدة في إعداد العدة للجهاد في سبيل الله تعالى، ص ۳۱۵.

۳. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۶۱؛ قرطبی، محمد، احکام القرآن، ج ۲، ص ۱۲۷؛ الزید، عبدالله،

مختصر تفسیر البغوی، ج ۱، ص ۲۳۳؛ سمعانی، عبدالکریم، تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۲.

حاکمیت به معنای کفری که شما خوارج می‌پندارید؛ یعنی کفر، خروج از اسلام نیست». <sup>۱</sup> پس از ابن عباس، شاگردان وی (طاووس یمانی، <sup>۲</sup> عطاء بن ابی‌رباع <sup>۳</sup> و علی بن ابی‌طلحه) <sup>۴</sup> نیز همچون استاد خویش کفر را به کفر اصغر تفسیر کرده‌اند.

**ثالثاً:** روایت ابن عباس، داعش و دیگر نوسلفیه جهادی را به قدری به تنگ آورده که شیخ الحدیث ناصرالدین البانی می‌نگارد: «تفسیر عبدالله بن عباس، کمر تکفیری‌ها و دیگر نوسلفیه جهادی را شکسته؛ چون راه فرار را بر آنان بسته است».<sup>۵</sup>

### مبنای دوم: دارالکفر بودن ایران

سلفیه جهادی بر این باورند که تمامی کشورهای اسلامی از جمله ایران، دارالکفر است. آنان معتقدند هر چند مردم ایران و دیگر کشورها ادعای مسلمانی داشته باشند؛ اما به جهت وضع احکام طاغوت که از تشریح قانون توسط نمایندگان در مجلس صورت می‌گیرد، نه تنها ایران؛ بلکه مکه و مدینه نیز دارالکفر به‌شمار می‌رود.<sup>۶</sup>

### نقد

درالاسلام شامل منطقه‌ای می‌شود که یا خود مسلمانان بنا کرده‌اند یا به سرزمینی که به دست مسلمانان فتح شده، اطلاق می‌شود.<sup>۷</sup> برخی نیز مراد از دارالاسلام را شهرهایی

۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱، ص ۳۵۸؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، التمهید، ج ۴، ص ۲۳۷؛ حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۴۲.
۲. «عن طاووس قال: قال ابن عباس لیس بالکفر الذی تذهبون إلیه إنه لیس بکفر ینقل عن الملة ثم قرأ ومن لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکافرون». (ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، التمهید، ج ۴، ص ۲۳۷؛ حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۴۲).
۳. «عن عطاء قوله ومن لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکافرون، ومن لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الظالمون، ومن لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الفاسقون، قال: کفر دون کفر، وفسق دون فسق، وظلم دون ظلم». (مروزی، محمد بن نصر، تعظیم قدر الصلاة، ج ۲، ص ۵۲۲؛ ابن بطه، عبیدالله بن محمد، الإبانة عن شریعة الفرقة الناجیة ومجانبة الفرق المذمومة، ج ۲، ص ۷۳۲).
۴. «علی بن ابی‌طلحه، عن ابن عباس قوله: ومن لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکافرون، قال: من جحد ما أنزل الله فقد کفر. ومن أقر به ولم یحکم، فهو ظالم فاسق؛ کسی که عامدانه حکم خدا را انکار کند و بر اساس حکم خدا حکم نکند، کافر است و کسی که به خدا و حکم خدا اقرار کند؛ اما به دلایل دیگری بر اساس حکم خدا حکم نکند، ظالم و فاسق است». (طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۰، ص ۳۵۷).
۵. البانی، ناصرالدین، حکم تارک الصلاة، ص ۳۹.
۶. مریوانی، ابوعایشه، حکم بما أنزل الله، مسئله سی و سوم، ص ۹۶.
۷. ابن قدامه، عبدالله، المغنی، ج ۶، ص ۱۱۳-۱۱۲؛ حلی، حسن، تذکره الفقهاء، ج ۱۷، ص ۳۵۱-۳۵۰.



دانسته‌اند که در سرزمین اسلامی ساخته شده باشد یا دارالاسلامی که اگرچه به تصرف کفار درآمده؛ اما احکام اسلام در آن منطقه جاری و اعمال می‌شود.<sup>۱</sup> ایدئولوگ جریان سلفیه ابن تیمیه و برخی از اهل حدیث، دارالاسلام را جایی می‌دانند که شعائری مانند اذان در آنجا اقامه شود.<sup>۲</sup>

دارالکفر به سرزمینی اطلاق می‌شود که احکام کفر در آن بر احکام اسلام غلبه داشته باشد.<sup>۳</sup> یا هر شهری که کفار آن را بنا کرده باشند و حکمرانان و احکام اجرایی آن مطابق با کافران باشد.<sup>۴</sup>

با توضیح مفهومی دو اصطلاح دارالاسلام و دارالکفر، ادعای نوسلفیه جهادی دارای اشکالات متعددی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

**اولاً:** بنا به تعریفی که اندیشمندان اسلامی از دارالکفر ارائه داده‌اند، ایران دارالاسلام است؛ زیرا سرزمینی که غلبه در آن با احکام اسلام باشد، دارالاسلام است.<sup>۵</sup> ابن تیمیه و شاگردانش مانند ابن قیم، بر این باورند که نه تنها ایشان؛ بلکه جمهور علما گفته‌اند، منطقه‌ای که مسلمانان در آنجا سکونت داشته و احکام اسلام جاری باشد، دارالاسلام است.<sup>۶</sup>

**ثانیاً:** شوکانی که از افکار سلفی برخوردار است، ملاک تشخیص دارالاسلام از دارالکفر را تنها در غلبه احکام می‌داند.<sup>۷</sup> اگر مسلمانان قادر به انجام اوامر و نواهی خداوند باشند و دستورات ضد اسلام ممالک کفر در آن پیاده‌سازی نشود، برای دارالاسلام بودن کافی است و این‌گونه نیست که به محض ارتکاب گناه و ترک احکام، آن منطقه به دارالکفر تغییر یابد.<sup>۸</sup>

**ثالثاً:** ابن عابدین که از فقیهان سرشناس اهل سنت به‌شمار می‌رود، نظر امام ابوحنیفه

۱. طوسی، محمد، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۳، ص ۳۴۳.

۲. ابن تیمیه، احمد، النبوات، ج ۲، ص ۷۶۰؛ اسماعیلی، احمد، اعتقاد ائمة الحدیث، ص ۷۶.

۳. کاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۷، ص ۱۳۰.

۴. شربینی، شمس‌الدین، مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، ج ۳، ص ۴۹۷.

۵. ابن‌فراء، محمد، المعتمد فی اصول الدین، ص ۲۷۶.

۶. ابن‌قیم جوزیه، احکام اهل ذمه، ج ۲، ص ۷۲۸.

۷. شوکانی، محمد، السبیل الجرار المتدفق علی حدائق الازهار، ص ۹۷۶.

۸. شوکانی، محمد، نیل الاوطار، ج ۸، ص ۷۲۸.

را این گونه نقل می کند که دارالاسلام تنها با سه شرط به دارالکفر تبدیل می شود:

۱. شهرت اجرای احکام کفر و ممانعت از اجرای احکام اسلام؛

۲. اتصال به دارالکفر؛

۳. ارتداد ساکنان.<sup>۱</sup>

و در ادامه می گوید: «و داژ الحربِ تصیّر دارالاسلام بیاجراء احکام اهل الاسلام فیها کُجْمَعَة و عید؛ یعنی سپس دارالکفر با انجام شعائر اسلام مانند نماز جمعه و عید، در آن منطقه به دارالاسلام تبدیل می شود».<sup>۲</sup>

رابعاً: در طول تاریخ، بسیاری از حاکمان برخلاف «ما أنزل الله» حکم کرده اند که امثال حجاج بن یوسف، مروانیان و بنی العباس، مصداق بارز ظلم و حکمرانی غیر مشروع و ناعادلانه بوده اند؛ اما هرگز کسی حاکمان ظالم تاریخ را کافر نخوانده است.

خامساً: سیره صحابه و تابعین، مبراً از آن است که بلاد اسلامی را دارالکفر و حاکمان آن را کافر بخوانند. از سوی دیگر بر فرض اینکه در کشوری اسلامی، احکام کفر اجرا شود؛ لکن هیچ یک از فقیهان فریقین نگفته اند که با اجرا شدن حکمی از احکام کفار، دارالاسلام به دارالکفر تبدیل می شود؛ بلکه برعکس اگر در منطقه ای حتی برخی از احکام اسلام اجرا شود به دارالاسلام تبدیل می شود.<sup>۳</sup>

### مبنای سوم: دموکراسی تحاکم به طاغوت

مبنای دیگری که داعش و اخوات آن برای حمله به مجلس ایران اختیار کرده اند، مسئله دموکراسی است. دموکراسی کلمه ای یونانی متشکل از دو واژه «demos» به معنی مردم و «gratia» به معنی حکومت است که روی هم رفته به معنای حاکمیت مردم است.<sup>۴</sup> آنان دموکراسی را یکی از مصادیق کفر اکبر در جهت پذیرش حکم «به غیر ما أنزل الله» ذیل آیه حاکمیت می دانند.<sup>۵</sup> سلفیه جهادی، دموکراسی را پذیرفتن حاکمیت مردم در

۱. ابن عابدین، محمد، ردّ المختار علی الدرّ المختار، ج ۴، ص ۱۷۵.

۲. همان.

۳. تهانوی، محمد، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، ج ۱، ص ۷۷۹.

۴. هلد، دیوید، مدل های دموکراسی، ص ۱۴؛ جهانبخش، فروغ، اسلام و دموکراسی، ص ۲۰.

۵. ابورمان، محمد، الاصلاح السياسي فی الفكر الاسلامی، ص ۲۶۳-۲۶۱.



مقابل حاکمیتِ الله دانسته و معتقدند با نزول آیهٔ اکمال و با توجه به کامل شدن دین، کسی که دموکراسی را بپذیرد، در واقع با آیهٔ اکمال، مخالفت کرده و با ناقص جلوه دادن دین، به طاغوت گردن نهاده است.<sup>۱</sup>

## نقد

قبل از پرداختن به نقد دیدگاه داعش، لازم است دیدگاه‌های موجود در رابطه با دموکراسی بیان شود. در رابطه با دموکراسی، مشروعیت و عدم مشروعیت آن، نظرات گوناگونی از سوی اندیشمندان اسلامی ارائه شده است. دیدگاه اول: معتقد است، دموکراسی که مهد آن غرب است با تکیه بر لیبرالیسم بدون هرگونه تغییری باید پذیرفته شود. دیدگاه دوم: مخالف جدی دموکراسی غربی بوده و مردم‌سالاری دینی را به عنوان نسخهٔ کاملاً اسلامی، جایگزین دموکراسی کرده‌اند. این دیدگاه از سوی نظریه‌پردازان شیعی همچون امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای علیه السلام ارائه شده که شارع حقیقی را خداوند متعال دانسته و قوانین را بر اساس مصالح و مفاسدی که مورد تشخیص از کتاب و سنت است، قابل وضع می‌داند. برخی اهل سنت نیز بر آشتی بین اسلام و دموکراسی اصرار ورزیده‌اند، مانند الازهر، ابوالاعلی مودودی، محمد عبده، محمد رشید رضا، یوسف قرضاوی، محمد عماره، راشد الغنوشی، حسن الترابی، محمد سلیم العوا، هشام مصطفی عبدالعزیز، امیر شکیب ارسلان، عباس محمود عقاد که نسبت به سالم‌سازی دموکراسی تلاش کرده‌اند.<sup>۲</sup> دیدگاه سوم: از سوی نوسلفیان جهادی مانند داعش و القاعده، ارائه شده که پذیرش دموکراسی به‌طور کلی به معنای تحاکم به طاغوت و بازگشت به جاهلیت است. آنان معتقدند به دلیل اینکه در نظام دموکراسی، مردم حق تشریح و قانون‌گذاری دارند و حلال و حرام را خود تشخیص داده، در نتیجه به دلخواه خود قانون وضع می‌کنند. آنان نتیجه می‌گیرند به سبب اینکه در نظام دموکراسی غربی، جای انسان با خدا تغییر می‌کند و انسان، جایگزین خداوند متعال می‌شود، این نظریه

۱. السلیمان، الیمان، الديمقراطية دین أو سياسة، ص ۲؛ أجهزة دولة الخلافة، ص ۱۶-۱۷.

۲. قرضاوی، یوسف، من فقه الدولة فی الاسلام، ص ۱۳۲؛ ابراهیم علی، حیدر، التيارات الاسلامية وقضية الديمقراطية، ص ۲۰.

منجر به شرک و کفر می شود.<sup>۱</sup>

در پاسخ به نظریه داعش گفته می شود:

**اولاً:** برخلاف تصور غلط داعش و دیگر نوسلفیه جهادی که مجلس ایران را به معنای اعطای حق تشریح به بشر و نفی توحید حاکمیت فرض کرده اند،<sup>۲</sup> شیعه، دموکراسی غربی را که حاکمیت مردم بر مردم است، قبول نداشته؛ بلکه مردم سالاری دینی را - حاکمیت الله یعنی حکومت خداوند بر مردم - پذیرفته است. خطای نوسلفیه جهادی در آن است که مجلس شورای اسلامی ایران را مانند دیگر مجلس های غربی با تکیه بر لیبرال فرض کرده و بر همین اساس به مجلس ایران یورش برده است.

**ثانیاً:** تفاسیر ارائه شده از مفهوم دموکراسی دو دسته است: دموکراسی به مثابه ایدئولوژی و دموکراسی به مثابه روش. اگر دموکراسی تنها به عنوان شیوه و روش، توزیع قدرت و مشارکت مردم در اداره جامعه و توصیفی خاص از حکمرانی باشد، نه تنها با مبانی و اصول اسلام مخالف نیست؛ بلکه می توان در قرآن و سنت نبوی دلایل و قرائنی بر تأیید این روش یافت. درحقیقت پذیرش این تفسیر از دموکراسی که در واقع مردم سالاری دینی است، تلازمی با ردّ توحید حاکمیت ندارد.<sup>۳</sup>

**ثالثاً:** در ایران و دیگر کشورهای مسلمان حامی دموکراسی، هیچ گاه در ذهن و زبان شان، حاکمیت خداوند را انکار نکرده اند؛ بلکه همواره بدین مطلب، معترف اند که باید زیر لوای قوانین الهی برآمده از کتاب و سنت، حکومت داری کرد.<sup>۴</sup>

**رابعاً:** قیاس نظام ایران با نظام های غربی از سوی داعش، کاملاً غلط بوده؛ زیرا در نظام های غربی، مردم، پایه مشروعیت نظام اند؛ اما در نظام ایران، مردم پایه مقبولیت نظام هستند نه مشروعیت آن. رسول خدا صلی الله علیه و آله با وجود دسترسی به وحی، در بسیاری از کارهای مهم، مردم را در تصمیم گیری دخالت می داد و این خود دلیلی بر ردّ ادعای داعش است.

**خامساً:** بی شک در برخی موارد، حکم خاصی در شرع وجود ندارد و فقیه در

۱. السلیمان، الیمن، الیدمقراطیة دین أو سیاسة، ص ۲؛ أجهزة دولة الخلافة، ص ۱۷-۱۶.

۲. طرطوسی، ابوبصیر، الاحکام السلطانیة و السیاسة الشرعیة، ص ۳۴۸؛ صادق، عبدالله، دموکراسی کفری آشکار، ص ۵.

۳. عبدالملکی، محسن، دموکراسی، ص ۱۴.

۴. مودودی، ابوالاعلی، الخلافة و الملک، ص ۳۷.



مواردی قادر به وضع و جعل قانون در چارچوب شرع است. این موضوع، برگرفته از آیه ۳۶ سوره احزاب است.

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ﴾

و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده اش به کاری فرمان دهند برای آنان در کارشان اختیاری باشد.

مفهوم مخالف آیه، این است که اگر در موضوعی، حکمی از خداوند متعال و رسول اکرم ﷺ نرسیده باشد، مسلمانان چنین اجازه‌ای که در چارچوب شرع باشد، دارا هستند.

### مبنای چهارم: کفر نمایندگان و قانون گذاران

داعش همانند دیگر نوسلفیان جهادی معتقد است، کسانی که در پالمان هستند در واقع مُشَرَّع و إله هستند. به بیان دیگر، نمایندگان، خدایانی هستند که با قانون گذاری، بر تک تک مردم، خدایی می کنند. آنان با استناد به آیه حاکمیت و آیه شریفه ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ﴾ نمایندگان را به سبب اینکه قانون وضع می کنند، مصداق طاغوت و کفر می خوانند.<sup>۱</sup>

#### نقد

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نقدی جامع بر اندیشه و توهم نوسلفیان جهادی مبنی بر شیوه قانون گذاری در ایران است. در مجلس ایران همانند دیگر مجلس ها قانون وضع می شود؛ اما تفاوت جدی مجلس ایران با دیگر مجلس ها این است که قوانین وضع شده در مجلس ایران، مستند به قانون اساسی متکی به قرآن، سنت و رصد فقیهان اسلام شناس شورای نگهبان است. در پاسخ به طاغوت خواندن مجلس ایران و کافر پنداری نمایندگان شورای اسلامی گفته می شود:

اولاً: بدون شک، برای اجرایی کردن احکام و قوانین صادر شده از سوی شارع، اولین

۱. دیوان الدعوة و المساجد، تعلموا امر دينكم، ص ۲۲-۲؛ مكتب البحوث والدراسات، التقارير المفيدة في اهم ابواب العقيدة، ص ۶۰-۵۸.

راهکار، شناسایی احکام متناسب با نیازهای آن جامعه است. از سوی دیگر، اسلام، علاوه بر عصر صحابه و تابعین، با نزول آیه اکمال، برای دیگر زمان‌ها همانند عصر پیامبر ﷺ تکمیل و تدوین شده است؛ لکن شناسایی و کشف آن قوانین و دستورات، به فراخور نیازهای روز جامعه، در چارچوب شرع، استنباط و استخراج می‌شود.

**ثانیاً:** تصور نوسلفیان از نمایندگان، مبنی بر شارع انگاری ایشان، برداشتی کاملاً غلط است؛ زیرا نمایندگان، تنها نیازها و مشکلات جامعه را به‌عنوان پیشنهاد و طرح به مجلس ارائه داده و به‌تهایی هیچ نقش مستقلی در وضع قانون ندارند.

**ثالثاً:** در مجلس ایران هیچ حلالی، حرام و هیچ حرامی حلال شمرده نمی‌شود؛ زیرا نمایندگان هیچ‌گونه رسالت و مجوزی برای تغییر احکام مسلم اسلامی ندارند و همان‌طور که قبلاً بیان شد، نمایندگان، طرح و لایحه‌ای که به مجلس ارائه می‌دهند فقط جنبه پیشنهادی دارد و کار اصلی؛ یعنی مشروع‌بودن یا نبودن مصوبه را در واقع شورای نگهبان به‌عهده دارد.<sup>۱</sup>

**رابعاً:** برخلاف برداشت سطحی داعش، هر طرح و لایحه‌ای که در مجلس به رأی گذاشته می‌شود، سه فرایند را باید پشت سر بگذارد تا پس از طی کردن مراحل شرعی و قانونی، به قانون تبدیل شود.<sup>۲</sup>

فرایند اول: ابتدا طرح‌ها و لایحه‌ها به‌عنوان پیشنهاد به کمک کمیسیون‌ها در مجلس مطرح و پس از رأی آوردن، به شورای نگهبان ارسال می‌شود.

فرایند دوم: مهم‌ترین مرحله که از دید داعش و دیگر نوسلفیان، مغفول واقع شده، این است که مجلس شورای اسلامی پس از تصویب طرح‌ها و لوایح، مصوبات را به شورای نگهبان ارسال می‌کند. شورای نگهبان که متشکل از ۶ فقیه و ۶ حقوق‌دان است، ابتدا به کمک ۶ فقیه، مصوبه را بررسی می‌کنند تا مطمئن شوند با قرآن و سنت معصوم ﷺ مطابقت دارد یا نه. ۶ حقوق‌دان نیز، مصوبات را به قانون اساسی، ارجاع می‌دهند تا مطمئن شوند که با قانون اساسی، معارض نباشند. این درواقع اصلی‌ترین بخش از فرایند قانون‌گذاری در مجلس ایران است.

۱. اصل ۷۲ قانون اساسی.

۲. اصل ۹۳ قانون اساسی، عدم اعتبار مجلس بدون شورای نگهبان را بیان می‌داند.



فرایند سوم: در سومین مرحله پس از تأیید شورای نگهبان، نوبت به امضای مصوبه، توسط ریاست قوه مجریه می‌رسد. این آخرین مرحله از فرایند قانون‌گذاری با امضای رئیس‌جمهور است که قانون برای اجرایی شدن آماده می‌شود. در نتیجه داعش که امروزه به بزرگ‌ترین چالش جهان اسلام مبدل شده، چوبِ ظاهرگرایی خود را با تمرکز بر ظواهر و عدم تحقیق و فحص دقیق از چگونگی وضع قانون، در ایران متحمل شده که منجر به شهادت ۱۷ انسان بی‌گناه شد.

### مبنای پنجم: کفرِ مراجعین

داعش معتقد است، مردمی که در انتخابات شرکت می‌کنند در کفرِ نمایندگان شریک‌اند؛ زیرا نمایندگان با انتخاب ایشان به مجلس راه یافته‌اند. آنان عموم شهروندان و حتی کسانی را که در انتخابات حضور نداشته‌اند، موظف دانسته که با تکفیر نمایندگان از آنان اعلام برائت جستند و اگر تن به برائت ندهند، بنا بر قاعده «مَنْ لَمْ يُكْفِّرِ الْكَافِرَ فَهُوَ كَافِرٌ» کسی که شخص کافر را کافر نداند، کافر است»، باید آنان را همانند نمایندگان، از بین برد.<sup>۱</sup>

### نقد

اصطلاح «مَنْ لَمْ يُكْفِّرِ الْكَافِرَ فَهُوَ كَافِرٌ» قاعده‌ای پرکاربرد از سوی داعش و دیگر نوسلفیان جهادی است؛ یعنی کسانی که کافران و مشرکان را تکفیر نکنند یا در کفر آنان شک کنند، کافرند.<sup>۲</sup>

قبل از پرداختن به تکفیر مراجع‌کنندگان به نمایندگان و منع از شرکت در انتخابات از نگاه داعش، قاعده «مَنْ لَمْ يُكْفِّرِ الْكَافِرَ فَهُوَ كَافِرٌ» را که از سوی داعش و دیگر نوسلفیان جهادی بسیار استفاده می‌شود، بررسی می‌کنیم.

**اولاً:** اصالت و تاریخچه قاعده مذکور، حکایت از شانیه کلی این قاعده دارد. ابو‌حسین اللیبی که از نظریه‌پردازان داعش به‌شمار می‌رود، تاریخچه این قاعده را در نزاع

۱. هیئت البحوث و الافئدة الدولية الاسلامية عراق و شام، مقرر فی التوحید للمعسكرات، ص ۳۱؛ دیوان الدعوة والمساجد، تعلموا امر دینکم، ص ۲۲-۲؛ مکتب البحوث و الدراسات، التقریرات المفیدة فی اهم ابواب العقیدة، ص ۶۰-۵۸.  
۲. الرد الوافر فی مناقشة المخالفین فی قاعده من لم یکفر الکافر فهو کافر، <http://www.twhed.com/vb/t5197/>

دیرینه معتزله بغداد با معتزله بصره یاد می‌کند.<sup>۱</sup> دیدگاه افراطی معتزله بغداد علیه معتزلیان بصره، این بود که عالمان ایشان فتوا به کفر کسی که در کفر معتزله بصره شک کند، صادر کرده و به بیان دیگر، شک در کفر کافر مساوی با کفر فرد شاک است؛<sup>۲</sup> اما ابومحمد مقدسی از نظریه پردازان القاعده، ظهور این قاعده را به اواخر قرن دوم (۱۹۴ق) در به‌کارگیری اشخاصی برای مخالفت، علیه مسلمانانی که با ایشان در ستیز بودند، ذکر می‌کند و این قاعده هیچ ارتباطی با قواعد مسلم اخذ شده از قرآن و سنت ندارد.<sup>۳</sup> بررسی تاریخچه قاعده مذکور نشان می‌دهد، بیشتر اغراض و تعصبات حزبی، سیاسی و فرقه‌ای در شکل‌گیری این قاعده دخالت داشته است.

**ثانیاً:** از تزلزل استدلال داعش همین بس که اثر کفر نمایندگان زمانی به مراجعه‌کنندگان و مردم سرایت می‌کند که کفر نمایندگان قابل اثبات باشد؛ درحالی‌که روند قانون‌گذاری در مجلس، منطبق با کتاب و سنت است و هیچ دلیل قطعی و مستدل بر ادعای داعش وجود ندارد و قبلاً بیان شد که بنا به تفسیر فریقین از آیه حاکمیت، اگر بر فرض، نماینده‌ای از روی خطا و نسیان «حکم به غیر ما انزل الله» کند، باز هم کفر، دامن او را نخواهد گرفت.

**ثالثاً:** به جهت اینکه قاعده «مَنْ لَمْ يُكْفِرِ الْكَافِرَ فَهُوَ كَافِرٌ» قاعده‌ای برآمده از اجتهادات علما است و هرگز کسی که با قاعده‌ای از قواعد اجتهادی علما مخالفت کند، فاسق به‌شمار نمی‌رود؛ چه برسد به اینکه کافر محسوب و دینش نقض شود.<sup>۴</sup> با بررسی‌های دقیق، به‌دست آمد که قاعده «مَنْ لَمْ يُكْفِرِ الْكَافِرَ فَهُوَ كَافِرٌ» اصل و اساسی در قرآن و سنت ندارد و فقط برداشت شخصی برخی افراد بوده است و روشن است، مسائلی را که محل اختلاف و نزاع است، هرگز نمی‌توان مستمسک برای تکفیر دیگران قرار داد.

۱. ملطی، محمد، التنبیه و الرد علی أهل الأهواء و البدع، ص ۴۸-۴۷.

۲. همان.

۳. مقدسی، ابومحمد، الرسالة الثلاثينية في التحذير من الغلو في التكفير، ص ۲۰۸.

۴. الرد الوافر في مناقشة المخالفين في قاعدة من لم يكفر الكافر فهو كافر. <http://www.twhed.com/vb/t5197>



## اشکال اول نوسلفیه جهادی

ابوحسین اللیبی مدعی است که قاعده «مَنْ لَمْ يُكْفِرِ الْكَافِرَ فَهُوَ كَافِرٌ» از پشتوانه قرآنی برخوردار بوده و اگر کسی به قاعده مذکور، التزام نداشته باشد، با قرآن مخالفت کرده است.<sup>۱</sup>

﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾<sup>۲</sup> «پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست، چنگ زده است».

### پاسخ

**اولاً:** مفسرین و اندیشمندان اهل سنت، قرن‌ها قبل از به‌وجود آمدن داعش، ادعای نوسلفیان جهادی را ارزیابی و نقد کرده‌اند. آنان برخلاف داعش و دیگران که «يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ» را به تکفیر تفسیر کرده، به معانی دیگری مانند نپذیرفتن و دوری جستن از طاغوت و رهایی و پرهیز از شریک قرار دادن برای خدا، ذکر کرده‌اند. طبری درخصوص آیه مذکور می‌نویسد: «برای چنگ‌زدن به عروۃ‌الوثقی، انکار ربوبیت غیر خداوند و کفر ورزیدن به معبودان و ایمان به خدا و تصدیق بر معبود بودن پروردگار عالم، برای ایمنی از عذاب و عقاب الهی کافی است».<sup>۳</sup> طبری که دو شرط ایمان به خدا و ترک طاغوت را سبب نجات از عذاب الهی می‌داند، چیزی به‌عنوان تکفیر طاغوت را باور ندارد. در نتیجه استفاده طبری از آیه مذکور، این است که کفر به طاغوت با تکفیر طاغوت متفاوت بوده و در دنیا برای صدق عنوان اسلام، «شهادتین» کافی است.<sup>۴</sup> ابن‌کثیر دمشقی که علاوه بر اهل سنت در بین سلفیان و نوسلفیان از جایگاه مورد قبولی برخوردار است، در رابطه با آیه مورد بحث می‌نگارد: «مراد از «فَمَنْ يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ» یعنی دور ساختن شرک و بت‌پرستی از خود و ایمان به خداوند به‌عنوان تنها معبودی که شایسته پرستش است». با بیان ابن‌کثیر این تفسیر، مسلمانان را در بر نمی‌گیرد؛ زیرا هیچ

۱. اللیبی، ابوالحسین، رسالة فی التحذیر من التسلسل فی التکفیر، ص ۵.

۲. بقره، ۲۵۶.

۳. طبری، محمد، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۴، ص ۴۱۹.

۴. همان.

مسلمانی نیست که بت پرستد و به خداوند شرک بورزد. در نتیجه، برداشت داعش و... از کفر به طاغوت به تکفیر طاغوت، نادرست است.<sup>۱</sup> بغوی نیز از دیگر مفسرین اهل سنت است که کفر به طاغوت را به تکفیر طاغوت تفسیر نکرده است.<sup>۲</sup>

**ثانیاً:** هرگز از آیه مذکور، تکفیر طاغوت و پیروان طاغوت به دست نمی‌آید؛ زیرا در آیه مذکور، کفر در برابر ایمان است نه در برابر اسلام و مسلم است که ایمان با اسلام متفاوت است. رابطه اسلام و ایمان، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر انسان مؤمنی مسلمان است؛ ولی هر مسلمانی مؤمن نیست. داعش در صدد است تا با استعانت از آیه «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى»، تکفیر طاغوت و پیروان طاغوت را استنباط کند؛ اما در واقع کسی که کفر به طاغوت نداشته باشد، لازمه اش نقض مسلمانی او نیست؛ بلکه هر چند به طاغوت کفر نورزد؛ اما اسلام وی ثابت است. در نتیجه، استدلال داعش مبنی بر تکفیر مراجع‌کنندگان و رأی‌دهندگان در انتخابات، سست و ناقص است.

### اشکال دوم نوسلفیه جهادی

اشکال دیگری که داعش برای تکفیر شهروندان و مراجع‌کنندگان به مجلس ارائه می‌دهد، آیه «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»؛ «و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم تا بگوید خدا را پرستید و از طاغوت بپرهیزید» است.<sup>۳</sup> مقصود از اجتناب از طاغوت به معنای عدم پرستش طاغوت است و کسی که از طاغوت دوری نکند، در واقع او را پرستش کرده و در نتیجه پرستش طاغوت مساوی است با شرک.<sup>۴</sup>

### پاسخ

تفسیری که مفسرین اهل سنت از «وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» ارائه داده‌اند، کاملاً متفاوت با فهم داعش و نوسلفیان جهادی است. آلوسی مفسر قابل قبول سلفیان، اجتناب از طاغوت را

۱. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۸۴.

۲. بغوی، حسین، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۵۰.

۳. نحل، ۳۶.

۴. الرد الوافر فی مناقشة المخالفین فی قاعدة من لم یكفر الکافر فهو کافر، <http://www.twhed.com/vb/t5197/>

به معنای دوری جستن از کسانی که به سوی طاغوت دعوت می کنند، تفسیر کرده است.<sup>۱</sup> بغوی اجتناب از طاغوت را به معنای دوری جستن از معبود غیر الهی تفسیر کرده نه به معنای پرستش طاغوت که داعش و نوسلفیان جهادی معنا کرده اند.<sup>۲</sup> طبری نیز اجتناب از طاغوت را به معنای دوری جستن از شیطان تفسیر کرده و طبیعی است که شیطان، دشمن مسلمان است و باید از او دوری کرد.<sup>۳</sup> با بررسی تفاسیر مهم اهل سنت مشخص شد که تفسیر داعش و نوسلفیان نمی تواند ادعای آنان را ثابت کند.

### اشکال سوم نوسلفیۀ جهادی

دلیل سومی که داعش ارائه می دهد، استناد به آیه ۴ سوره ممتحنه است.

﴿إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَخَدَّهٗ﴾؛

ما از شما و از آنچه به جای خدا می پرستید بیزاریم. به شما کفر می ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید.

نحوه استدلال آنان به آیه این است که در عبارت «إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ» مقصود از برائت، تکفیر آنان است و در عبارت «كَفَرْنَا بِكُمْ» مراد، تکفیر ایشان است؛ زیرا صراحتاً لفظ کفر آمده است.<sup>۴</sup>

### پاسخ

آلوسی در آیه مذکور، واژه کفر را به کفر مجازی یا کنایه ای، به منظور عدم توجه و اعتنا به کفار تفسیر کرده؛ مثل اینکه گفته شود ما برای شما و بت هایتان هیچ اهمیت و ارزشی قائل نیستیم.<sup>۵</sup> واژه کفر در محل بحث، کفر اصطلاحی نیست، چه برسد به اینکه کفر به معنای تکفیر معنا شود. قرطبی از دیگر مفسرین قابل توجه اهل سنت و سلفیان، در تفسیر آیه مذکور، واژه کفر را به معنای تکفیر و شرک، تفسیر نکرده و راه استدلال داعش

۱. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۷، ص ۳۷۸.

۲. بغوی، حسین، معالم التنزیل، ج ۳، ص ۸۰.

۳. طبری، محمد، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۷۲.

۴. الرد الوافر فی مناقشة المخالفین فی قاعدة من لم یكفر الکافر فهو کافر. <http://www.twhed.com/vb/t5197/>

۵. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۱۴، ص ۲۶۴.

را مسدود کرده است.<sup>۱</sup>

## نتیجه‌گیری

با بررسی‌های صورت‌گرفته روشن شد، حمله انغماسی داعش به مجلس، به جهت عدم التزام به شروط و ضوابط انغماس، عملیات انتحاری نام می‌گیرد. پس از واکاوی یک‌به‌یک مسئله، به دست آمد هیچ‌یک از مبانی داعش، پشتوانه قرآنی و حدیثی نداشته و برای سرپوشی به جنایات و پیشبرد اهداف سازمانی خود، دست به ساخت چنین قواعدی زده‌اند. با مراجعه به اسناد و منابع معتبر اهل سنت مشخص شد، واژه کفر در آیه حاکمیت «وَمَنْ لَّمْ يَخُكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» به معنای کفر اصغر بوده است. نوسلفیان جهادی که کلمه کفر را به کفر اکبر معنا کرده‌اند، همانند خوارج، پرهزینه‌ترین خطا و چالش‌برانگیزترین تفسیر را تاکنون برای امت اسلام رقم زده‌اند. ازسوی دیگر روشن شد که مجلس ایران، بر اساس مردم‌سالاری دینی در چارچوب شرع، روند قانون‌گذاری خود را دنبال می‌کند. راهبرد غلط داعش مبنی بر اینکه پارلمان ایران بر اساس دموکراسی غربی اداره می‌شود، خطای بزرگی است که با توضیح چگونگی فرایند قانون‌گذاری در آن، جای هیچ شبهه‌ای را باقی نمی‌گذارد. بر اساس قواعد جهادی اهل سنت، ایران، دارالاسلام بوده و دارالکفر خواندن ایران ازسوی داعش، کاملاً غیرعلمی و دور از حقیقت است. نمایندگان مجلس و مراجعه‌کنندگان به ایشان، هرگز معتقد به حاکمیت مردم بر جامعه نبوده؛ بلکه حاکمیت الله را، محور تمام امور قرار داده‌اند. این یافته‌ها، نتایج شفاف و روشنی است که از واکاوی مبانی فکری داعش به دست آمد و برای خواننده روشن شد که اندیشه داعش و دیگر نوسلفیان جهادی، هیچ سنخیتی با دیدگاه عموم اهل سنت نداشته؛ بلکه فرسنگ‌ها با سلوک جهادی و تفسیری ایشان فاصله دارد.

۱. قرطبی، محمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۸، ص ۵۶.

## منابع

١. قرآن كريم.
٢. الليبي، ابوالحسين، رسالة في التحذير من التسلسل في التكفير، <http://www.alafak.com/showthread.php?t=11034>
٣. ابراهيم علي، حيدر، التيارات الاسلامية وقضية الديمقراطية، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية، چاپ دوم، ١٩٩٩م.
٤. ابن ادريس حلي، محمد، السرائر، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ دوم، ١٤١٠ق.
٥. ابن بطة، عبيدالله بن محمد، الابانة الكبرى، رياض: دارالراية، چاپ دوم، ١٤١٥ق.
٦. ابن تيميه حراني، احمد بن عبدالحليم، دقائق التفسير، تحقيق: محمد سيد الجليند، دمشق: مؤسسة علوم القرآن، چاپ دوم، ١٤٠٤ق.
٧. ابن تيميه حراني، احمد بن عبدالحليم، قاعدة في الانغماس في العدو، تحقيق: اشرف بن عبدالمقصود، رياض: اضواء السلف، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٨. ابن تيميه حراني، احمد بن عبدالحليم، مجموع الفتاوى، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدینه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ١٤١٦ق.
٩. ابن حبان دارمي، محمد، الثقات، هند: دائرة المعارف العثمانية بحيدر آباد، چاپ اول، ١٣٩٣ق.
١٠. ابن حنبل شيباني، احمد، مسند أحمد بن حنبل، تحقيق: شعيب الأرنؤوط وعادل مرشد وديگران، بی جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢١ق.
١١. ابن شاهين، عمر بن احمد، تاريخ أسماء ثقات، كويت: دار السلفية، چاپ اول، ١٤٠٤ق.
١٢. ابن عابدين، محمد، رد المحتار على الدر المختار، بيروت: دارالفكر، چاپ دوم، بی تا.
١٣. ابن عباد، اسماعيل، المحيط في اللغة، عراق: وزارة الثقافة والإعلام، چاپ اول، ٢٠٠٠م.
١٤. ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله، التمهيد، مغرب: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، بی تا.
١٥. ابن قدامه، عبدالله، المغني، قاهره: مكتبة قاهره، بی تا.
١٦. ابن كثير، اسماعيل، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: محمود حسن، بی جا: دارالفكر، بی تا.
١٧. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بيروت: دار صادر، چاپ سوم، ١٤١٤ق.
١٨. ابن هشام، عبدالله بن يوسف، مغني اللبيب، قم: كتابخانه آيت الله مرعشي نجفی، چاپ چهارم، بی تا.
١٩. ابورمان، محمد، الاصلاح السياسي في الفكر الاسلامي المقاربات القوي الاولويات الاستراتيجية، بيروت: الشبكة العربية للابحاث و النشر، چاپ اول، ٢٠١٣م.
٢٠. ايوب، حسن، الجهاد و الفدائية في الاسلام، بيروت: دارالندوة الجديدة، چاپ دوم، ١٤٠٣ق.
٢١. آلوسی، محمود، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني، تحقيق: علي عبدالباري عطية، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، بی تا.

٢٢. بخارى، محمد، صحيح بخارى، رياض: دارالسلام للنشر و التوزيع، چاپ دوم، ١٤١٩ق.
٢٣. بغوى، حسين، تفسير البغوى المسمى معالم التنزيل، تحقيق: عبدالرزاق المهدي، بيروت: داراحياء التراث العربى، چاپ اول، بى تا.
٢٤. بهوتى الحنبلى، منصور، كشاف القناع عن متن الإقناع، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٢ق.
٢٥. ترمذى، محمد، سنن الترمذى، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: دار الغرب الإسلامى، ١٩٩٨م.
٢٦. تکرورى، نواف هایل، العمليات الإستشهادية فى الميزان الفقهي، دمشق: دارالفكر، چاپ چهارم، ١٤٢٣ق.
٢٧. تکرورى، نواف هایل، العمليات الإستشهادية فى الميزان الفقهي، دمشق: دارالفكر، چاپ چهارم، ١٤٢٣ق.
٢٨. تهانوى، محمد، موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، تحقيق: على دحروج، بيروت: مكتبة لبنان ناشرون، چاپ اول، بى تا.
٢٩. جرادى، محمد وليد احمد، الإرهاب فى الشريعة و القانون، بيروت: دارالفانس، چاپ اول، ١٤٢٩ق.
٣٠. جمعى از مؤلفين، موسوعة الفتاوى الفلسطينية، قبرص: نشر بيت المقدس للدراسات التوثيقية، چاپ دوم، ١٤٣٣ق.
٣١. جهانبخش، فروغ، اسلام، دموكراسى و نوگرایی دينى در ايران از بازرگان تا سروش، ترجمه: جليل پروين، بى جا: انتشارات گام نو، چاپ اول، ١٣٨٣ش.
٣٢. حاكم نيشابورى، محمد، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالکتب العلمية، چاپ اول، ١٤١١ق.
٣٣. حلى، حسن، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، بى تا.
٣٤. حمود، سامى بن خالد، الأعمال الفدائية، رياض: مكتبة الرشد، چاپ اول، ١٤٣٣ق.
٣٥. ديوان الدعوة و المساجد، تعلموا امر دينكم، بى جا: مكتبة الهمة، چاپ دوم، بى تا.
٣٦. ذهبى، محمد بن احمد، الموقظة فى علم مصطلح الحديث، حلب: مكتبة المطبوعات الإسلامية، چاپ دوم، ١٤١٢ق.
٣٧. ذهبى، محمد، الكاشف فى معرفة من له رواية فى الكتب و الستة، تحقيق: محمد عوامه، احمد محمد نمر الخطيب، جده: دارالقبلة للثقافة الإسلامية، چاپ اول، ١٤١٣ق.
٣٨. الرد الوافر فى مناقشة المخالفين فى قاعدة من لم يكفر الكافر فهو كافر  
http://www.twhed.com/vb/t5197
٣٩. زبىدى، محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق: مجموعة من المحققين، بى جا: دارالهداية، بى تا.
٤٠. زهرى غمراوى، محمد، السراج الوهاج على متن المنهاج، بيروت: دارالمعرفة، بى تا.



٤١. سلفى الجزائرى، محمد، نثر الدر فى تفنيد شبهة كفر دون كفر، نشر سايت آرشيوبه أدرس:  
<https://archive.org/details/MujahidBag2>
٤٢. سيد امام، عبدالقادر، العمدة فى إعداد العدة للجهاد فى سبيل الله تعالى، نشر سايت آرشيوبه أدرس:  
[https://archive.org/details/eksabcash\\_gmail\\_20160530](https://archive.org/details/eksabcash_gmail_20160530)
٤٣. شريبنى، شمس الدين، مغنى المحتاج إلى معرفة معانى ألفاظ المنهاج، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ اول، بى تا.
٤٤. صادق، عبدالله، دموكراسى كبرى أشكار،  
[https://archive.org/details/eksabcash\\_gmail\\_20160530](https://archive.org/details/eksabcash_gmail_20160530)
٤٥. صنعانى، عبدالرزاق، المصنف، تحقيق: حبيب الرحمن أعظمى، هند: المجلس العلمى، چاپ دوم، ١٤٠٣ق.
٤٦. الصنهاجى، ابوجندل، اثرا بن عباس كفر دون كفر، نشر سايت آرشيوبه أدرس:  
<https://archive.org/details/MujahidBag2>
٤٧. طبرى، محمد، جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت: دارالمعرفة، چاپ اول، بى تا.
٤٨. طرابلسى مغربى، شمس الدين محمد بن محمد، مواهب الجليل فى شرح مختصر خليل، بى جا: دارالفكر، چاپ سوم، ١٤١٢ق.
٤٩. طرسوسى، ابوبصير، الاحكام السلطانية و السياسة الشرعية،  
[https://archive.org/details/eksabcash\\_gmail\\_20160530](https://archive.org/details/eksabcash_gmail_20160530)
٥٠. طوسى، محمد بن حسن، المبسوط، قم: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، بى تا.
٥١. طويان، عبدالعزيز بن صالح، جهود الشيخ محمد الامين الشنقيطى فى تقرير عقيدة السلف، رياض: مكتبة العبيكان، چاپ اول، ١٤١٩ق.
٥٢. عبدالملكى، محسن، دموكراسى، بى جا: رهپويان انديشه، چاپ اول، ١٣٩٧ش.
٥٣. عثمانى تهانوى، ظفر احمد، قواعد فى علوم الحديث، بيروت: دار بشارت اسلاميه، چاپ دهم، ١٤٢٨ق.
٥٤. عجلى، احمد بن عبدالله، تاريخ الثقافات، بى جا: دارالباز، چاپ اول، ١٤٠٥ق.
٥٥. عماد، عبدالغنى، «المفاهيم و الافكار و العقائد المحورية للحركات الاسلامية»، الحركات الاسلامية فى الوطن العربى، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية، چاپ اول، ٢٠١٣م.
٥٦. الغريب، عبدالله، تقرير الأدلة الشرعية مشروعية العمليات الاستشهادية، بى جا: منبر توحيد و الجهاد، ١٤٣١ق.
٥٧. فلسطينى، ابوالحسن، البشرى المهديّة لمنفذى العمليات الاستشهادية، نشر سايت آرشيوبه أدرس:  
<https://archive.org/details/MujahidBag2>
٥٨. فيروزآبادى، محمد، قاموس المحيط، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ هشتم، ١٤٢٦ق.

٥٩. قرضاوى، يوسف، من فقه الدولة فى الاسلام، قاهره: دارالشروق، چاپ سوم، ٢٠٠١م.
٦٠. قرطبي، محمد، الجامع لاحكام القرآن، تحقيق: احمد البردونى و ابراهيم أطفيش، قاهره: دارالكتب المصرية، چاپ دوم، بى تا.
٦١. كسانى، ابوبكر، بدائع الصنائع فى ترتيب الشرايع، بى جا: دارالكتب العلمية، چاپ دوم، ١٤٠٦ق.
٦٢. لكنوى هندى، عبدالحى بن محمد، الرفع و التكميل فى الجرح و التعديل، حلب: مكتب مطبوعات اسلاميه، چاپ سوم، ١٤٠٧ق.
٦٣. مجموعة من طلبة العلم بالمغرب الاسلامى، الصواعق المرسله على الندوة المهزله، بى جا: اصدارات سلسله الدين الخالص، بى تا.
٦٤. مجموعة مؤلفين، الفتاوى النديه فى العمليات الاستشهادية،
٦٥. مرتضى، محمد محمود، صناعة التوحش التكفير والغرب، بيروت: دارالولاء، چاپ اول، ١٤٣٧ق.
٦٦. مروزى، محمد بن نصر، تعظيم قدر الصلاة، تحقيق: عبدالرحمن عبدالجار، مدينه: مكتبة الدار، چاپ اول، ١٤٠٦ق.
٦٧. مصباح يزدى، محمدتقى، جنگ و جهاد در قرآن، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى عليه السلام، قم: چاپ سوم، ١٣٨٧ش.
٦٨. مقدسى، ابومحمد، الرسالة الثلاثينية فى التحذير من الغلو فى التكفير، [http://www.ilmway.com/site/maqdis/ms\\_14563.html](http://www.ilmway.com/site/maqdis/ms_14563.html)
٦٩. مكتب البحوث و الدراسات، التقارير المفيدة فى اهم ابواب العقيدة، بى جا: مكتبة الهمة، چاپ دوم، بى تا.
٧٠. ملا محمدعلى، امير، مباني فقهى عمليات استشهادى از دیدگاه شيعه و اهل سنت، قم: نشر زمزم هدايت، چاپ اول، ١٣٨٥ش.
٧١. ملطى، محمد، التنبيه و الرد على اهل الأهواء و البدع، قاهره: مكتبة الازهرية للتراث، ٢٠٠٧م.
٧٢. مودودى، ابوالاعلى، الخلافة و الملك، كويت: دارالقلم، چاپ اول، ١٩٧٨م.
٧٣. هاشم، محمد يونس، المدارس السلفية وجدلية النقل و العقل و المصلحة، مكه: دار زهور المعرفة و البركة، چاپ اول، ١٤٣٤ق.
٧٤. هلد، ديويده، مدل های دموكراسى، ترجمه: عباس مخبر، تهران: روشنگران، ١٣٦٩ش.
٧٥. هيئت البحوث و الافتاء الدولة الاسلامية، مقرر فى التوحيد للمعسكرات، بى جا: مكتبة الهمة، ١٤٣٦ق.

